

را کلاه می‌گذارند و فکر می‌کنند شرفشان را حفظ کرده‌اند. ما تکه‌هایی در سریال گذاشتیم، مثل این که کسی کار بدی می‌کند و بعدتر صدقه می‌دهد یا فکر می‌کند حالا که کار خوبی کرده، کار بدش از بین رفته است. این‌ها در جامعه خیلی ملموس‌اند. حتی در همین نقطه باز شخصیت «هوشنگ شرافت» از «شصتچی» متفاوت می‌شود چرا که «شصتچی» ناخواسته در گیر ماجراهایی می‌شود اما «هوشنگ شرافت» خودش با قضا یا همراه می‌شود، «هوشنگ شرافت» آدم باهوشی است.

برخلاف سایر کارهای مهران مدیری در سریال «هیولا» کمتر شاهد تیپ هستنیم و بیشتر با کاراکتر و شخصیت‌های واقعی روبه‌رو می‌شویم هر چند که در این بین در نقش‌هایی که شبیه مقدمی و نیما شعبان نژاد بازی می‌کنند تیپ‌های اغراق آمیز شده می‌بینیم. اما در کل این نزدیک به واقعیت بودن خواست مهران مدیری بود یا تیم نویسنده‌گان؟

در شخصیت نیما شعبان نژاد بله، به شدت به تیپ نزدیک شده‌ایم. اتفاقا تیبی که گرفته‌از چیزی که روی کاغذ بود هم بامزه‌تر شده اما در مورد خانم مقدمی خیلی موافق نیستیم، شبیه مقدمی شخصیت بازی می‌کند و اتفاقا یک شخصیت ملموس هم بازی می‌کند. من شخصیتی که خانم سیما تیرانداز بازی می‌کند را بیشتر تیبیک می‌بینم تا شخصیت خانم مقدمی. این روزها در معاشرت‌هایم به شدت می‌بینم و می‌شنوم که می‌گویند فلان شخص در اقوام ما شبیه «هوشنگ شرافت» است یا شبیه «شهره» است. این یعنی خانم مقدمی شخصیت یک زن تازه‌به‌دوران رسیده‌ای را بازی می‌کنند که بدون اغراق است. در سریال دیالوگی داریم که خانم تیرانداز می‌گویند «من بچمو با آب معدنی شستم»، این دیالوگی بود که من خودم در یک جمع خیلی جدی از یک خانم شنیدم.

در سریال «هیولا» این بار مهران مدیری از فرهاد اصلانی برای ایفای نقش اول خودش استفاده کرد در حالی که سابقا سیامک انصاری عهده‌دار این نقش‌ها بود؛ شما به عنوان یک نویسنده بازی فرهاد اصلانی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

اختصاصی اگر بخواهم در خصوص فرهاد اصلانی حرف بزنم باید بگویم بازیگر بسیار خوبی هستند و خیلی خوشحالم که حضورشان در سینما پررنگ‌تر شده است. اگر «هیولا» سریال موفق شده باشد آن را یک ریسک موفق از سمت آقای مدیری دانست، چون ایشان فقط بازیگر خودشان را عوض نکردند، آقای مدیری فضای کاری خودشان را هم تغییر دادند. در کارهای مهران مدیری یا مکان و یا زمان حذف می‌شد. در یک ناکجاآباد یا در جایی که زمانش مشخص نبود شخصیت‌ها شکل می‌گرفتند، حتی در سریال «پاورچین» که در زمان حال بود،



گفت و گو با امیر برادران؛ نویسنده مجموعه جدید مهران مدیری

باتلخ‌ترین اتفاق عالم بشریت سریال طنز ساختیم

این کامل‌ترین کمدی سیاهی است که از مهران مدیری دیده‌ایم. این جمله‌ای است که امیر برادران؛ نویسنده «هیولا» که به همراه پیمان قاسم‌خانی این اثر را تحویل شبکه نمایش خانگی دادند، می‌گوید. او معتقد است که «هیولا» مورد توجه همان طیفی قرار گرفته که سریال دقیقاً به آن‌ها نقد می‌کند و همین موضوع را یکی از توفیقات اصلی مجموعه می‌داند. درباره این که آیا «هیولا» ویژگی‌های اصلی کمدی سیاه بودن را دارد یا این نویسنده حرف زدیم که می‌خوانید.



افسون جاوید

نویسنده

که سنگ تپیا خورده آفرینش است که در موقعیت‌های مختلف قرار می‌گیرد، کانسپتی که مکرر تکرار شده و در «ساعت ۵ عصر» مهران مدیری هم اوج می‌گیرد. چه تمهیدی در نظر گرفتید که شخصیت «هوشنگ شرافت» شبیه به آن‌ها نشود؟

خود شخصیت پردازی «هوشنگ شرافت» شبیه سایر شخصیت‌هایی که مهران مدیری تا الان کار کرده، مثلاً نقش‌هایی که سیامک انصاری بازی کرده، نیست. چون سیامک انصاری شخصیتی بود که همیشه در بین جمعی از آدم‌بدها قرار می‌گرفت و مقاومت می‌کرد تا به گشایش برسد و هم مسیر با بقیه نشود، اما داستان «شرافت» داستان کسی است که اتفاقاً در نقطه شکست قرار گرفته، می‌شکند و همراه می‌شود. بعضی جاها حتی از آدم‌های به‌اصطلاح قالتاق دور و برش جلو می‌زند و باعث می‌شود بین این شخصیت و سایر شخصیت‌ها تمایز ایجاد شود. تنها شخصیتی که شاید مقداری شبیه‌ش باشد «مسعود شصتچی» در «مرد هزار چهره» است که اساساً ناخواسته وارد یک سری ماجرا می‌شد. «هوشنگ شرافت» مثال خیلی جامع‌تر از آدم‌هایی است که سر خودشان

قصه «هیولا» به چه صورت شکل گرفت؟! طرح سریال بر اساس یک فکر مشترک بین شما و آقای قاسم‌خانی بود یا از ابتدا طرح شما بود؟

طرح کلی سریال «هیولا» شکل گرفته بود، پیمان قاسم‌خانی طرحی دو-سه صفحه‌ای ارائه داده بود. او آنقدر کارش را بلد است که به نظر من به یک طرح یک خطی از ایشان هم می‌شود استناد کرد. پیش تولید سریال همزمان شده بود با اکران فیلم «هزار پا». مهران مدیری و مصطفی احمدی فیلم «هزار پا» را دیده بودند و مورد توجهشان قرار گرفته بود از آن جایی که قبلاً هم در پروژه‌های آقای مدیری مثل «در حاشیه» با واسطه با او همکاری داشتیم، ایشان با پیمان قاسم‌خانی مشورت کرده بود و پیمان مرا مورد لطف قرار داده بود و عنوان کرده بود کار من را قبول دارد و این شد که من به پروژه اضافه شدم و کار را شروع کردیم. همین جا بگویم ما کارمان با یک پایان‌بندی بسیار خوب بسته شده و به زعم بعضی از منتقدان قرار نیست مثل خیلی از پروژه‌ها با پایان باز خاتمه پیدا کند.

لحن و روایت با محوریت فردی است



اگر «هیولا» سریال موفق شده باشد باید آن را یک ریسک موفق از سمت آقای مدیری دانست، چون ایشان فقط بازیگران خودشان را عوض نکردند، آقای مدیری فضای کاری خودشان را هم تغییر دادند